

تقریر مرحوم قوچانی از سخن مرحوم آخوند:

مرحوم قوچانی از شاگردان مرحوم آخوند در تعلیقیه خویش بر کفایه این کلام مرحوم آخوند را با بیان مقدماتی ذکر می کنند.

ایشان می نویسند:

«فلوضوح اتحاد المرتبة بينهما، لأنّ عدم الضد المعدوم نقيض و متقابل لوجوده المضاد المتقابل مع وجود الضد الموجود؛ و من المعلوم أنّ بين كل متقابلين من أقسام التقابل اتحاد و تكافؤ في المرتبة، حيث أنّ الأولى منه ما هو المحقق بين الوجود و العدم، و أنّ خفاء في أنّ النقيض للوجود هو العدم البدلي الكائن في رتبته لولاه، غير المجتمع معه، لا السابقي و لا اللاحقي المجتمع معه في دار التحقق حتى لو فرض سابقا عليه أو لاحقا بحسب الرتبة، و إنّ لزوم ارتفاع النقيضين في مرتبة سلب أحدهما مقدمة للآخر، و لما كان الوجود عين الرفع لعدمه النقيض كما لا يخفى، و لما كان متنافيا معه في التحقق ذاتا.

فقد ظهر أنّ هذا النحو من التعاند لا يقتضى إنّما تبادلهما في التحقق و عدم اجتماعهما معا، لا ارتفاع أحدهما أولا ثم تحقق الآخر ثانيا.

و اذا عرفت ذلك في النقيضين؛ فكذلك المتقابلان الوجوديان حيث أنّ المضادة انما هو بين الوجودين في الرتبة الواحدة.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. ضد و نقيض ضد آخر، در یک مرتبه هستند.
۲. چراکه عدم ضد (عدم اکل) نقيض اکل است که اکل با وجود ضد دیگر (وجود صلوة) تضاد دارد [عدم اکل با اکل هم رتبه است اکل با صلوة هم رتبه است، پس عدم اکل با صلوة هم رتبه است]
۳. توجه شود که: معلوم است که طرفین هر نوع تقابل، هم رتبه هستند. چراکه:
۴. بین اکل و عدم اکل (اولی: تقابل اول یعنی تقابل بین نقيضین) رابطه بین وجود و عدم است.

۱. قوچانی، علی، تعلیقة القوچانی علی کفایة الأصول، ج ۱، ص ۳۱۴



۵. و معلوم است که خفائی نیست [و من المعلوم الاّ خفاء...] در اینکه تقيض وجود صلوة، عدم بدلی است (عدم بدلی که اگر وجود صلوة نباشد، جایگزین صلوة می شود)
۶. تقيض وجود صلوة، عدم سابق و عدم لاحق نیست. چراکه این دو عدم با وجود صلوة جمع می شوند (و معلوم است که تقيض نمی توانند در وجود جمع شوند)
۷. [والاّ لزوم...] و اگر بگوئید در رتبه قبل (که رتبه علّت است و رتبه مقدمه است) نه وجود صلوة حاصل است و نه عدم صلوة، لازم می آید در رتبه مقدمه، ارتفاع تقيضین حاصل شود.
۸. [و لما كان الوجود...] و اگر بگویند در رتبه قبل (که وجود صلوة حاصل نیست) نه وجود صلوة حاصل است و نه عدم صلوة، لازم می آید «وجود»، «عین رفع عدم» نباشد (عدم تقيض وجود است: التقيض صفت عدمه) [چراکه اگر بخوهد ارتفاع تقيضین حاصل نیاید باید بگوئیم «وجود» و «عدم» نیستند و وجود و عدم هم تقيض نیستند.]
۹. [و لما كان متنافياً...] و اگر بگویند در رتبه قبل نه وجود حاصل است و نه عدم صلوة، لازم می آید عدم صلوة و صلوة در تحقق متنافی نباشند.

